****

[ادامه بحث لزوم آغاز احرام حج تمتع از مکه 1](#_Toc488665565)

[بررسی ادله 1](#_Toc488665566)

[مقتضای اصل عملی در مقام 3](#_Toc488665567)

[بحث دوم: آیا احرام باید از مکه قدیمه باشد یا مطلق مکه و یا تفصیلی وجود دارد؟ 5](#_Toc488665568)

[کلام محقق خوئی ره 5](#_Toc488665569)

[نقد کلام محقق خوئی ره 5](#_Toc488665570)

[کلام مرحوم تبریزی 6](#_Toc488665571)

[نقد کلام مرحوم تبریزی 6](#_Toc488665572)

[کلام آیت الله سیستانی 6](#_Toc488665573)

[نقد کلام آیت الله سیستانی 7](#_Toc488665574)

[کلام امام و آیت الله زنجانی (دیدگاه مختار) 7](#_Toc488665575)

**موضوع**: احکام احرام /احرام /واجبات حج

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## ادامه بحث لزوم آغاز احرام حج تمتع از مکه

### بررسی ادله

روایاتی مثل صحیحه حلبی که مفادش این بود که باید از مکه محرم شد: وَ عَنْهُ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع لِأَهْلِ مَكَّةَ أَنْ يَتَمَتَّعُوا- فَقَالَ لَا لَيْسَ لِأَهْلِ مَكَّةَ أَنْ يَتَمَتَّعُوا- قَالَ قُلْتُ: فَالْقَاطِنِينَ بِهَا- قَالَ إِذَا أَقَامُوا سَنَةً أَوْ سَنَتَيْنِ- صَنَعُوا كَمَا يَصْنَعُ أَهْلُ مَكَّةَ- فَإِذَا أَقَامُوا شَهْراً فَإِنَّ لَهُمْ أَنْ يَتَمَتَّعُوا- قُلْتُ مِنْ أَيْنَ قَالَ يَخْرُجُونَ مِنَ الْحَرَمِ- قُلْتُ مِنْ أَيْنَ يُهِلُّونَ بِالْحَجِّ- فَقَالَ مِنْ مَكَّةَ نَحْواً مِمَّا يَقُولُ النَّاسُ.[[1]](#footnote-1)

هر چند بعید نیست که مربوط به همان حج تمتع باشد و لکن ما شبهه ای داشتیم مبنی بر این که شاید برای مردم واضح بوده که احرام حج تمتع از مکه است، جوازا یا وجوبا و این ما یصلح للقرینیة است که شاید سوال از مکان حج افراد است، ما این احتمال به نظرمان می آید که شاید مکان حج افراد واضح نبوده است. (گرچه ندیدیم کسی این احتمال را مطرح کند)

صحیحه عبد الرحمن بن الحجاج هم می گوید: وقتی هلال ماه ذی الحجة دیده شد، به ادنی الحل برو و به حج افراد محرم شو، بعد حضرت فرمود سفیان ثوری فقیه شما (اهل مدینه) پیش من آمد و گفت چرا به اصحابت می گویی از ادنی الحل محرم شوند، با این که اصحاب پیامبر از مسجد الحرام محرم شدند، حضرت فرمود اصحاب پیامبر متمتع بودند و لذا از مسجد الحرام به حج تمتع محرم شدند، اما اصحاب من مجاور به مکه بودند و اهل مکه عمره و حج تمتع ندارند، من به این ها گفتم ادنی الحل بروید و مدتی از مکه خارج باشید تا شباهت شما به اهل مکه کم شود و بعد محرم به عمره تمتع شوید: مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع إِنِّي أُرِيدُ الْجِوَارَ فَكَيْفَ أَصْنَعُ- فَقَالَ إِذَا رَأَيْتَ الْهِلَالَ هِلَالَ ذِي الْحِجَّةِ- فَاخْرُجْ إِلَى الْجِعْرَانَةِ فَأَحْرِمْ مِنْهَا بِالْحَجِّ إِلَى أَنْ قَالَ- إِنَّ سُفْيَانَ فَقِيهَكُمْ أَتَانِي فَقَالَ- مَا يَحْمِلُكَ عَلَى أَنْ تَأْمُرَ أَصْحَابَكَ يَأْتُونَ الْجِعْرَانَةَ- فَيُحْرِمُونَ مِنْهَا قُلْتُ لَهُ- هُوَ وَقْتٌ مِنْ مَوَاقِيتِ رَسُولِ اللَّهِ ص- فَقَالَ وَ أَيُّ وَقْتٍ مِنْ مَوَاقِيتِ رَسُولِ اللَّهِ ص هُوَ- فَقُلْتُ أَحْرَمَ مِنْهَا- حِينَ قَسَمَ غَنَائِمَ حُنَيْنٍ وَ مَرْجِعُهُ مِنَ الطَّائِفِ- فَقَالَ إِنَّمَا هَذَا شَيْ‌ءٌ أَخَذْتَهُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ- کان اذا رَأَى الْهِلَالَ صَاحَ بِالْحَجِّ- فَقُلْتُ أَ لَيْسَ قَدْ كَانَ عِنْدَكُمْ مَرْضِيّاً- فَقَالَ بَلَى وَ لَكِنْ أَ مَا عَلِمْتَ أَنَّ أَصْحَابَ رَسُولِ اللَّهِ ص- أَحْرَمُوا مِنَ الْمَسْجِدِ فَقُلْتُ- إِنَّ أُولَئِكَ كَانُوا مُتَمَتِّعِينَ فِي أَعْنَاقِهِمُ الدِّمَاءُ- وَ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَطَنُوا مَكَّةَ فَصَارُوا كَأَنَّهُمْ مِنْ أَهْلِ مَكَّةَ- وَ أَهْلُ مَكَّةَ لَا مُتْعَةَ لَهُمْ‌.[[2]](#footnote-2)

برای سفیان ثوری واضح بود که اصحاب پیامبر به حج تمتع از مسجد الحرام محرم شدند و لذا منشا سوال شد که چرا امام صادق علیه السلام به اصحابش امر کرده که از جعرانه محرم شوند، حضرت نیز کسانی که حج افراد بجا می آوردند را به ادنی الحل می فرستاد و کسانی که عمره تمتع بجا می آوردند را نیز چون اهل مکه بودند، برای کم شدن شباهت به اهل مکه به ادنی الحل برای احرام بستن می فرستاد.، این که احرام حج تمتع از مکه جایز است، برای مردم در آن زمان واضح بوده است.

در صحیحه حلبی هم وقتی حلبی از حضرت سوال می کند که مجاورین به مکه در چه مکانی برای حج محرم شوند و حرفی از یوم الترویة هم نیست که قرینه بر حج تمتع باشد، ظاهرش این است که امر مجهولی را سوال می کند و حضرت نیز در جواب فرمود من مکه نحوا مما یقول الناس، یعنی این هم که فقهاء عامه می گویند که مجاورین می توانند از مکه محرم برای حج افراد شوند، جایز است، گرچه مستحب است به دلالت صحیحه عبد الرحمن به ادنی الحل رفته و محرم شوند.

ما این احتمال را می دهیم.

### مقتضای اصل عملی در مقام

مرحوم نراقی گفته اگر نوبت به اصل عملی برسد، اصل اشتغال می گوید باید از مکه احرام بسته شود که قدر متیقن است، مرحوم گلپایگانی هم در تعلیقه عروه فرموده اگر کسی خارج از مقدار متیقن محرم شود، استصحاب عدم انقعاد احرام و عدم محرمات احرام بر او جاری می شود.

اگر این فرمایش به این معناست که در اصل برائت در دوران بین تعیین و تخییر مناقشه شود که مشهور مناقشه کرده اند و قائل به احتیاط شده اند، مناقشه مبنایی خواهد بود، ولی ما در اصول، جریان برائت از محتمل التعیین را پذیرفته ایم، علاوه بر این که بعید نیست دوران امر بین اقل و اکثر باشد، زیرا می دانم احرام حج تمتع واجب است، نمی دانم لابشرط است یا مقید بکونه من مکه است.

بله، اگر بدانم احرام مکانی دارد و ندانم بین مکه و میقات مخیرم یا معینا باید از مکه محرم شوم، دوران امر بین تعیین و تخییر می شود، اما اگر اصلا ندانم که آیا احرام حج تمتع محل شرعی خاصی دارد یا نه، در این جا دوران امر بین اقل و اکثر می شود که مشهور هم قائل به برائت هستند.

بله، ممکن است نظر محقق نراقی به این باشد که وقتی شک در انعقاد احرام در غیر مکه کنیم، نمی توانیم بعد از جریان استصحاب عدم احرام، آثار احرام صحیح را بر آن بار کنیم، و نهایتا اگر برائت جاری شود، با برائت از حرمت محرمات احرام معارضه می کند، و علم اجمالی حاصل می شود که یا احرام از مکه واجب است و برائت از آن خلاف واقع است و یا احرام از خارج مکه صحیح است، پس برائت از حرمت محرمات احرام خلاف واقع است، این اشکال قوی است، ولی این اشکال اختصاص به این بحث ندارد و در هر اقل و اکثر ارتباطی و دوران امر بین تعیین و تخییر که بخواهیم آثار عمل صحیح را بر اقل یا فرد غیر محتمل التعیین بار کنیم، این اشکال می آید و لذا باید به نحو اساسی مشکل را حل نمود.

ما بر اساس غفلت نوعیه مشکل را حل کردیم و گفتیم وقتی برائت از اکثر جاری شد، عرف آثار صحت را بر اقل بار می کند و در این جا نیز همین جواب مطرح می شود.

بله، اگر دنبال اصل لفظی بر جواز احرام از خارج مکه باشیم، چنین اصل لفظی وجود ندارد، زیرا اطلاقی نداریم که بتوانیم به آن برای صحت احرام از بیرون مکه تمسک کنیم و باید اصل عملی جاری کنیم.

## بحث دوم: آیا احرام باید از مکه قدیمه باشد یا مطلق مکه و یا تفصیلی وجود دارد؟

### کلام محقق خوئی ره

برخی مثل محقق خوئی قائلند از مکه قدیمه باید محرم شد، زیرا اولا یحرم من مکة اطلاقی ندارد که امکنه مستحدثه مکه بعد از شارع را شامل شود و قضیه خارجیه است و لااقل شک می شود که قضیه حقیقیه باشد، مثل این که در روایات گفته شده خواب در مسجد الحرام و مسجد النبی حرام است، ولی حضرت فرموده مقصود مسجد زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است و نه قسمت های توسعه یافته از مکه.

(بله، اگر نوبت به شک برسد، باید اصل عملی جاری کنیم که اصل برائت از تعین احرام از مکه قدیمه در ما نحن فیه جاری می شود، اما در برخی موارد دیگر مساله به شکل دیگری می شود.)

ثانیا: در خصوص مکه دلیل خاص داریم که در رابطه با قطع تلبیه حضرت فرموده وقتی بیوت مکه قدیمه مشاهده شد، قطع تلبیه شود: مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع‌ إِذَا دَخَلْتَ مَكَّةَ وَ أَنْتَ مُتَمَتِّعٌ- فَنَظَرْتَ إِلَى بُيُوتِ مَكَّةَ فَاقْطَعِ التَّلْبِيَةَ- وَ حَدُّ بُيُوتِ مَكَّةَ الَّتِي كَانَتْ قَبْلَ الْيَوْمِ عَقَبَةُ الْمَدَنِيِّينَ- فَإِنَّ النَّاسَ قَدْ أَحْدَثُوا بِمَكَّةَ مَا لَمْ يَكُنْ- فَاقْطَعِ التَّلْبِيَةَ وَ عَلَيْكَ بِالتَّكْبِيرِ وَ التَّهْلِيلِ- وَ التَّحْمِيدِ وَ الثَّنَاءِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِمَا اسْتَطَعْتَ.[[3]](#footnote-3)

#### نقد کلام محقق خوئی ره

اولا: بلدان همیشه در معرض توسعه است و لذا دلیل اطلاق پیدا می کند، بله، مسجد الحرام هم توسعه پیدا کرده، اما در معرض توسعه نبوده است، اما در اسماء بلدان ظهور در قضیه حقیقیه دارد.

ثانیا: احرم من مکة نهایتا مطلق نیست، نه این که ظهور در خصوص مکه قدیمه داشته باشد و لذا بعد از اجمال، به اصل عملی برائت از وجوب احرام از مکه قدیمه رجوع می شود.

ثالثا: صحیحه معاویة بن عمار راجع به قطع تلبیه است و نفرمود در جمیع احکام مکه باید سراغ مکه قدیمه رفت.

### کلام مرحوم تبریزی

ایشان قائل به وجوب احرام از مکه قدیمه به عنوان حکم واقعی است، اما در مناطق مشکوک از مکه قدیمه یا جدیده، اصل برائت از لزوم احرام از منطقه متیقنه مکه قدیمه جاری می شود.

#### نقد کلام مرحوم تبریزی

در این موارد، شک در امتثال می شود و اگر واقعا احرام از مکه قدیمه واجب باشد، شارع عنوان مکه قدیمه را در موضوع حکم اخذ می کند، اما تطبیق نمی کند که مکه قدیمه چند کیلومتر است و این به عرف واگذار می شود، یعنی شک در سعه و ضیق تکلیف نیست، زیرا خود مولا که متصدی تطبیق نشده است، و لذا شک در امتثال است.

جالب است که خود ایشان در این بحث که مسجد شجره میقات است یا ذی الحلیفه، استصحاب عدم کون ذی الحلیفة میقاتا کرده، این جا چرا استصحاب نمی کند مکان مشکوک میقات نیست؟

### کلام آیت الله سیستانی

احرام از مکه جدیده و قدیمه جایز است، به این شرط که از منطقه حرم خارج نشود، بعد از تنعیم گرچه داخل مکه جدیده است، اما از حرم خارج است و لذا احرام از آن جایز نیست.

#### نقد کلام آیت الله سیستانی

این مطلب بلادلیل است، زیرا وقتی قضیه را حقیقیه می دانند و قائل به اطلاق هستند، دیگر فرق نمی­کند که داخل در حرم باشد یا بیرون از حرم باشد.

### کلام امام و آیت الله زنجانی (دیدگاه مختار)

قضیه حقیقیه است و اطلاق دارد و از همه مناطق مکه قدیمه و جدیده، احرام جایز است و همین مقتضای قاعده است.

ما سابقا بنا بر نظریه عدم اطلاق این قضایا مگر به مقدار توسعه های متوقع آن زمان اشکال می کردیم که توسعه فعلی که خارج از تنعیم است، متوقع نبوده است، و لکن آیت الله سیستانی که قائل به اطلاق است و قضیه را حقیقیه می گیرد، علاوه بر این که گفتیم مقتضای اصل برائت، جواز احرام از خارج مکه قدیمه است و لذا بعید نیست که احرام مکه حتی در مناطق خارج از حرم برای حج تمتع هم مجزی باشد.

1. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج11، ص266، أبواب حکم من أقام بمکة سنتین...، باب9، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/11/266/یخرجون) [↑](#footnote-ref-1)
2. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج11، ص267، أبواب حکم من أقام بمکة سنتین...، باب9، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/11/267/فصاروا) [↑](#footnote-ref-2)
3. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج12، ص389، أبواب أن المتمتع یقطع التلبیة إذا شاهد...، باب43، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/12/389/فنظرت) [↑](#footnote-ref-3)